[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1395.24.81.1.3]

[DOI: 10.18869/acadpub.jpll.24.81.7]

تحلیل شیوه‌های گوناگون بازنمایی گفتار در داستان‌های فارسی قبل و بعد از نهضت ترجمه در عصر قاجار

محدثه بهزادی*

علی خزاعی‌فرید **

مسعود خوش‌سلیقه***

چکیده

بازنمایی گفتار از مهم‌ترین ابزارهای نویسندگان در تألیف متون روایی و به‌خصوص داستان به‌شمار می‌رود. نقل قول مستقیم و غیرمستقیم، که دو شیوهٔ بازنمایی گفتار هستند، نام‌های آشنایی در زبان فارسی محسوب می‌شوند، اما درباب بازنمایی گفتار در زبان فارسی کمتر بحث شده است. مقالهٔ حاضر به بررسی و مقایسهٔ شیوه‌های گوناگون بازنمایی گفتار در داستان‌های فارسی قبل از نهضت ترجمه در دورهٔ قاجار و داستان‌های تألیف‌شدهٔ بعد از این نهضت می‌پردازد و ویژگی‌های بسامدی، کارکردی و زبان‌شناختی هرکدام از مقوله‌های بازنمایی گفتار را ارزیابی می‌کند. برای این کار از الگوی بازنمایی گفتار سمینو و شرت (۲۰۰۴) بهره گرفته شده است که برپایهٔ الگوی لیچ و شرت (۱۹۹۰) استوار است. داده‌های این تحقیق از هفت داستان فارسی مربوط به قبل از نهضت ترجمه و هفت داستان مربوط به بعد از این نهضت با حجم برابر انتخاب شده است. در پایان، این نتیجه حاصل شد که گفتار مستقیم (آزاد) بیشترین کاربرد را در داستان‌های قبل و بعد از دورهٔ ترجمه به خود اختصاص داده است که دلیل آن نیز ماهیت این مقوله در دادن حالت نمایشی به گفتار و زنده و ملموس‌تر جلوه‌دادن آن است. کاربرد زیاد گفتار مستقیم (آزاد) در داستان‌های جدید با توجه به اهمیت‌یافتن فردیتِ شخصیت‌های داستانی در رمان‌های مدرن نیز توجیه‌پذیر است. همچنین، در طول زمان از تعداد گفتار مستقیم (آزاد) و روایت کنش گفتار به‌منزلهٔ شیوه‌های بازنمایی گفتار کاسته شده و بر تعداد گفتار غیرمستقیم و خصوصاً غیرمستقیم آزاد افزوده شده است.

کلیدواژه‌ها: بازنمایی گفتار، داستان فارسی، نهضت ترجمه، شیوه‌های بازنمایی گفتار.

* دانشجوی کارشناسی‌ارشد مطالعات ترجمه دانشگاه فردوسی مشهد Behzadi.mohadeseh@gmail.com

** دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد khazaeefarid@um.ac.ir

*** استادیار دانشگاه فردوسی مشهد khoshsaligheh@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۴/۱/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۴/۸/۱۸

دوفصلنامهٔ زبان و ادبیات فارسی، سال ۲۴، شمارهٔ ۸۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1395.24.81.1.3]

[DOI: 10.18869/acadpub.jpll.24.81.7]

۱. مقدمه

بازنمایی گفتمان[۱] یکی از مهم‌ترین قسمت‌های روایت و داستان محسوب می‌شود که توجه محققان بسیاری را در حوزهٔ سبک‌شناسی و روایت‌شناسی به خود معطوف کرده است (برای مثال: کوهن، ۱۹۷۸؛ فلودرنیک، ۱۹۹۳؛ لیچ و شرت، ۱۹۹۰؛ ریمون‌ـکنان، ۱۹۸۳؛ تولان، ۲۰۰۱؛ سمینو و شرت، ۲۰۰۴). یکی از معروف‌ترین و دقیق‌ترین الگوهای بازنمایی گفتمان الگوی لیچ و شرت (۱۹۹۰) است. در این الگو، گفتمان در دو سطح گفتار[۲] و اندیشه[۳] تحت بررسی قرار می‌گیرد. سمینو و شرت (۲۰۰۴) الگوی بازنمایی گفتمان لیچ و شرت را ارتقا دادند و جزئیات بیشتری را که از بررسی داده‌های خود به‌دست آورده بودند به این الگو افزودند. آنها سطح جدید نوشتار[۴] را نیز به سطوح قبل اضافه کردند و گفتمان را در سه سطح گفتار، اندیشه و نوشتار مطرح کردند. اگرچه سمینو و شرت از این الگو به‌منظور بررسی هر سه سطح گفتمان در سه نوع متن روایی انگلیسی (رمان، گزارش خبری و زندگی‌نامه) استفاده کرده‌اند، نگارنده در این مقاله با به‌کارگیری الگوی سمینو و شرت صرفاً سطح گفتار را در داستان‌های فارسی مورد توجه قرار می‌دهد.

برخلاف زبان انگلیسی، که در آن محققان بازنمایی گفتار را بررسی و ارزیابی کرده و الگوهای مختلفی به این منظور پیشنهاد داده‌اند، بررسی انواع بازنمایی گفتار در متون روایی فارسی مغفول مانده است. تاآنجاکه نگارنده اطلاع دارد، تنها خانم فریده ره‌گوی (۱۳۸۷) و ابوالفضل حری (۱۳۸۸) به‌طور مفصل و کامل به بحث بازنمایی گفتار در متون روایی پرداخته‌اند. نقل قول مستقیم و غیرمستقیم نیز، که دو شیوهٔ بازنمایی گفتار هستند، در زبان فارسی نام‌های شناخته‌شده‌ای محسوب می‌شوند، اما در کتاب‌های نگارش و دستور زبان فارسی به این دو مقوله کمتر توجه شده است و درباب ویژگی و کارکرد آنها در داستان و متون روایی سخنی به میان نیامده است. بنابراین، در این پژوهش سعی می‌کنیم شیوه‌های مختلف بازنمایی گفتار را در داستان‌های قدیمی و جدید زبان فارسی به‌طور دقیق ارزیابی کنیم. امید است که جستار حاضر زمینهٔ تحقیق و بررسی بیشتر این موضوع را در زبان فارسی فراهم آورد.

داستان‌نویسی در ایران از سابقه‌ای عظیم برخوردار است و ادبیات کهن ایران انواع و اقسام صورت‌های داستانی افسانه، تمثیل، حکایت و روایت را شامل می‌شود، اما شیوهٔ جدید داستان‌نویسی در ایران، که درقالب رمان و داستان کوتاه ظهور می‌یابد، ادامهٔ طبیعی و منطقی این ادبیات کهن نیست (مرادی صومعه‌سرایی، ۱۳۸۶: ۱۶۱). نهضت ترجمه در دورهٔ قاجار، که خود از عواملی همچون پیدایش صنعت چاپ و مطبوعات، اعزام دانشجویان به

خارج از کشور، تأسیس دارالفنون و به‌طورکلی آشنایی ایرانیان با فرهنگ اروپا متأثر بود، تأثیر چشمگیری در تحول نظام ادبی ما داشته است (محسنی و خاچاطوریان سرادهی، ۱۳۹۰: ۷۸۹؛ بالایی، ۱۳۷۷: ۴۱). در این زمان، ترجمهٔ آثار اروپایی و به‌خصوص رمان‌های فرانسوی رواج بسیاری یافت. واحد و افشاری (۱۳۹۰: ۱۴۹) مهم‌ترین و آشکارترین علت پیدایش گونهٔ ادبی جدید رمان در زبان فارسی را ترجمهٔ رمان‌های اروپایی و خلق آثار جدید فارسی به‌تقلید از آثار ترجمه‌شده می‌دانند. بالایی و کویی‌پرس (۱۳۷۸: ۱۲) نیز ترجمهٔ رمان‌های اروپایی را عامل شکل‌گیری نوع ادبی جدید یعنی ابتدا رمان و سپس داستان کوتاه در ادبیات فارسی می‌دانند. بنابراین، ازآنجاکه انواع داستانی جدید در کشور ما تحت تأثیر ترجمه و به‌تقلید از رمان‌های اروپایی شکل گرفته‌اند، محتمل است که آثار داستانی جدید ازنظر شیوهٔ نگارش و به‌کارگیری ابزار ادبی، که بازنمایی گفتار نیز یکی از این ابزارهاست، با آثار داستانی پیشین متفاوت باشند. به‌همین‌دلیل، نیمی از داستان‌های انتخاب‌شده به‌منظور بررسی در این تحقیق مربوط به دورهٔ قبل از نهضت ترجمه و نیمی دیگر مربوط به دورهٔ بعد از آن است تا بدین‌ترتیب، تفاوت میان داستان‌های گذشته و رمان‌های امروزی را به‌لحاظ شیوهٔ بازنمایی گفتار بررسی کنیم. بدین‌ترتیب، هفت داستان انتخاب‌شده از دورهٔ قبل از نهضت ترجمه در دورهٔ قاجار، که از این پس «پیکرهٔ ۱» نامیده می‌شوند، عبارت‌اند از: *چهار درویش*، *داراب‌نامه*، *حمزه‌نامه*، *گلستان سعدی*، *حسین کرد شبستری*، *بختیارنامه* و *سمک‌عیار*. برای دورهٔ بعد از نهضت ترجمه نیز این داستان‌ها انتخاب شده‌اند: *دارالمجانین*، *مدیر مدرسه*، *سووشون*، *چشم‌هایش*، *کلیدر*، *بامداد خمار* و *چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم*. این متون نیز از این پس «پیکرهٔ ۲» نامیده می‌شوند. از هر داستان ۶۰۰۰ کلمهٔ ابتدایی به‌منظور بررسی انتخاب شده است.

مقالهٔ حاضر با بررسی ویژگی‌های بسامدی، کارکردی و زبان‌شناختیِ شیوه‌های مختلف بازنمایی گفتار در داستان‌های قبل و بعد از نهضت ترجمه چند هدف را دنبال می‌کند: نخست اینکه، نشان دهد علاوه‌بر نقل قول مستقیم و غیرمستقیم که در زبان فارسی بسیار رایج و شناخته‌شده هستند، شیوه‌های دیگری نیز برای بازنمایی گفتار در زبان فارسی وجود دارد که اتفاقاً بسیار هم پرکاربردند. دیگر اینکه، میزان کاربرد شیوه‌های مختلف بازنمایی گفتار در داستان‌های قبل از دورهٔ ترجمه به چه صورت بوده و این میزان در دورهٔ بعد از ترجمه چه تفاوتی کرده است. هدف آخر این مقاله، بررسی ویژگی‌های کارکردی (نقشی) و زبان‌شناختی (صوری) شیوه‌های مختلف بازنمایی گفتار در داستان‌های فارسی است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1395.24.81.1.3]
[DOI: 10.18869/acadpub.jpll.24.81.7]

بنابراین، در این تحقیق به‌دنبال پاسخگویی به این پرسش هستیم که ویژگی‌های بسامدی، کارکردی و زبان‌شناختی شیوه‌های مختلف بازنمایی گفتار در داستان‌های فارسی قبل و بعد از دورهٔ ترجمه به چه صورت است و این شیوه‌ها با یکدیگر چه تفاوتی دارند.

۲. چارچوب نظری تحقیق

پیش از پرداختن به بحث اصلی، ضروری است سمینو و شرت (۲۰۰۴) را به‌طور مختصر معرفی کنیم. همان‌طورکه گفتیم، الگوی سمینو و شرت (۲۰۰۴) برپایهٔ الگوی لیچ و شرت (۱۹۹۰) استوار است و گفتمان را در سه سطح گفتار، اندیشه و نوشتار بررسی می‌کند. ازآنجاکه در متون روایی و به‌خصوص داستان بازنمایی گفتار کاربرد بیشتری نسبت به بازنمایی اندیشه و نوشتار دارد و همچنین، به‌این‌دلیل که بررسی هر سه سطح بازنمایی گفتمان فضای بیشتری می‌طلبد، در این مقاله صرفاً به بازنمایی گفتار می‌پردازیم.

لیچ و شرت (۱۹۹۰) مقوله‌های بازنمایی گفتار را روی پیوستار قرار دادند. در ابتدای سمت راست پیوستار کوچک‌ترین واحد بازنمایی گفتار و در انتهای سمت چپ پیوستار مستقیم‌ترین شکل بازنمایی گفتار قرار دارد. در این پیوستار بازنمایی گفتار به‌صورت ذیل نمایش داده می‌شود (سمینو و شرت، ۲۰۰۴: ۴۹):

روایت صدا[۵] روایت کنش گفتار (با/ بدون موضوع)،[۶] گفتار غیرمستقیم،[۷] گفتار غیرمستقیم آزاد،[۸] گفتار مستقیم (آزاد)[۹]

در این پیوستار، هرچه از سمت راست به سمت چپ حرکت کنیم، حضور، کنترل و دخالت راوی در گفتار کم‌رنگ‌تر می‌شود. بنابراین، دربارهٔ مقولهٔ روایت صدا، راوی کاملاً بازنمایی گفتار را در اختیار دارد، درحالی‌که درباب گفتار مستقیم آزاد چنان به نظر می‌رسد که راوی به‌هیچ‌وجه در گفتار گوینده دخالت ندارد، گویی گوینده در همین زمان و مکان و اکنون درحال صحبت است.

نکتهٔ مهم و درخورتوجه ازنظر سمینو و شرت (۲۰۰۴: ۱۲) درباب این پیوستار مربوط به میزان وفاداری[۱۰] است. به‌گفتهٔ آنها، با حرکت از سمت راست پیوستار به طرف چپ آن، میزان وفاداری به گفته‌های گویندهٔ اصلی افزایش می‌یابد. بدین‌ترتیب، مقولهٔ روایت صدا که در ابتدای سمت راست پیوستار قرار دارد تنها مخاطب را در جریان رخداد گفتار قرار می‌دهد. ازطرف دیگر، دیگر مقوله‌های بازنمایی گفتار اطلاعات بیشتری (مانند صورت و محتوای گفتار) در زمینهٔ گفته‌های گوینده در اختیار مخاطب قرار می‌دهند و مخاطب را به گفتار اصلی گوینده نزدیک می‌سازند. بنابراین، با حرکت به انتهای چپ پیوستار میزان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1395.24.81.1.3]
[DOI: 10.18869/acadpub.jpll.24.81.7]

وفاداری افزایش می‌یابد و در گفتار مستقیم آزاد که در انتهای چپ پیوستار قرار دارد گویی شاهد بازنمایی کلمه‌به‌کلمهٔ گفته‌های اصلی گوینده هستیم.

بدین‌ترتیب، نویسنده/راوی داستان می‌تواند برای اشاره به گفتار شخصیت‌های داستان از شیوه‌های مختلفی استفاده کند که هرکدام تأثیر خاصی در داستان و مخاطب ایجاد می‌کند. در قسمت بعد، به‌طور جداگانه به تبیین و توضیح هرکدام از این شیوه‌های بازنمایی گفتار می‌پردازیم.

۳. بحث و بررسی

در این قسمت، ابتدا جدول‌های مربوط به بسامد مقوله‌های بازنمایی گفتار در پیکره‌های ۱ و ۲ آورده می‌شود و سپس، بسامدهای این مقوله‌ها در دو پیکره درکنار یکدیگر در نمودار ۱ نمایش داده می‌شود.

جدول ۱. بسامد مقوله‌های بازنمایی گفتار در پیکرهٔ ۱

مقوله	پیکرهٔ ۱			
	فراوانی		درصد	رده‌بندی
روایت صدا	۱۴		۱/۳۸	۴
روایت کنش گفتار (بدون/ با موضوع)	۱۹۲		۱۸/۹۹	۲
	بدون موضوع	۱۰۱	۹/۹۹	
	با موضوع	۹۱	۹	
گفتار غیرمستقیم	۴۰		۳/۹۶	۳
گفتار غیرمستقیم آزاد	۴		۰/۴	۵
گفتار مستقیم (آزاد)	۷۶۱		۷۵/۲۷	۱
	مستقیم	۰	۰	
	مستقیم آزاد	۷۶۱	۷۵/۲۷	
مجموع بازنمایی گفتار	۱۰۱۱		۱۰۰	

جدول ۲. بسامد مقوله‌های بازنمایی گفتار در پیکرهٔ ۲

مقوله	پیکرهٔ ۲			
	فراوانی		درصد	رده‌بندی
روایت صدا	۱۴		۲	۵
روایت کنش گفتار (بدون/ با موضوع)	۷۷		۱۱	۲
	بدون موضوع	۳۸	۵/۴۳	
	با موضوع	۳۹	۵/۵۷	
گفتار غیرمستقیم	۵۴		۷/۷۱	۳
گفتار غیرمستقیم آزاد	۳۷		۵/۲۹	۴
گفتار مستقیم (آزاد)	۵۱۸		۷۴	۱
	مستقیم	۲۲۴	۳۲	
	مستقیم آزاد	۲۹۴	۴۲	
مجموع بازنمایی گفتار	۷۰۰		۱۰۰	

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1395.24.81.1.3]
[DOI: 10.18869/acadpub.jpll.24.81.7]

همان‌طور که در جدول‌های ۱ و ۲ قابل مشاهده است، در پیکرهٔ ۱، ۱۰۱۱ مورد و در پیکرهٔ ۲، ۷۰۰ مورد بازنمایی گفتار صورت گرفته است. بنابراین، تعداد بازنمایی گفتار در دورهٔ بعد از ترجمه نسبت به دورهٔ قبل از ترجمه ۳۱۱ مورد کاهش یافته است. این بدان‌معناست که نویسندگان داستان در دورهٔ بعد از ترجمه نسبت به نویسندگان داستان در دورهٔ قبل از ترجمه، از روایت[۱۱] به میزان بیشتری در متون خود استفاده کرده‌اند و در مقابل از گفتار کمتر استفاده کرده‌اند.

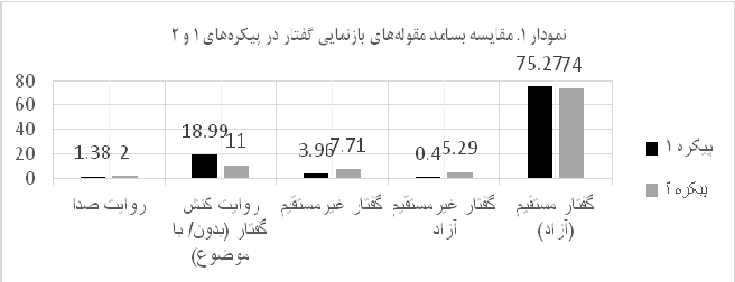

در ادامه، پس از معرفی هرکدام از مقوله‌های بازنمایی گفتار، ویژگی‌های بسامدی، کارکردی و زبان‌شناختی هریک از مقوله‌ها در دو پیکره به‌طور جداگانه بررسی و مقایسه می‌شوند.

۳. ۱. روایت صدا

در این مقوله، که در انتهای سمت راست پیوستار قرار دارد، حضور راوی بسیار پررنگ است. در مقولهٔ روایت صدا، راوی نشان می‌دهد که کس یا کسانی در فعالیت کلامی[۱۲] نامشخصی وارد شده‌اند، اما هیچ اشاره‌ای به کنش گفتار[۱۳] یا صورت و محتوای گفته‌ها نمی‌کند (سمینو و شرت، ۲۰۰۴: ۴۴). روایت صدا کوچک‌ترین واحد بازنمایی گفتار است؛ زیرا، همان‌طور که گفتیم، در آن راوی تنها به اینکه فرد یا افرادی سخن گفته‌اند اشاره می‌کند و با جملات و واژگان گوینده و محتوای گفته‌های او کاری ندارد. برای مثال، در زبان فارسی نویسندگان تنها با به‌کاربردن فعل‌هایی نظیر "صحبت‌کردن" یا "حرف‌زدن" و بدون اینکه به کنش گفتار اشاره کنند، از مقولهٔ روایت صدا استفاده می‌کنند.

وقوع کنش گفتار اصلی‌ترین معیار تمایز میان مقولهٔ روایت صدا و روایت کنش گفتار است؛ بنابراین، لازم است تا توضیحی مختصر درباب کنش گفتار ارائه شود. نظریهٔ کنش‌های گفتاری یکی از مهم‌ترین سرفصل‌های مطالعات کاربردشناسی زبان را تشکیل می‌دهد. نخستین‌بار، جان آستین (۱۹۶۲) نظریهٔ کنش‌های گفتاری[۱۴] را مطرح کرد. آستین نخستین کسی بود که بیان کرد هر اظهاری نوعی فعل گفتاری است؛ این بدان‌معناست که با بیان هر جمله یا پاره‌گفتار، عمل و کنشی همچون پرسش‌کردن، دستوردادن،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1395.24.81.1.3]
[DOI: 10.18869/acadpub.jpll.24.81.7]

خواهش‌کردن، قول‌دادن، تشویق‌کردن، اظهارکردن، تمناکردن و نظایر آن محقق می‌شود. به‌عبارت دیگر، کنش گفتار یعنی کنشی که در نتیجهٔ گفتار باشد. برای مثال، اگر کسی بگوید: «قول می‌دهم شما را ببینم»، با همین جمله وعده می‌دهد و فعل وعده را تحقق می‌بخشد (سرل، ۱۳۸۵: ۲۹).

سرل (۱۹۶۹) تحت تأثیر نظریهٔ آستین و در ادامهٔ تحقیقات او، کنش‌های گفتاری را برحسب نوع کاری که انجام می‌دهند، در پنج نوع اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلانی طبقه‌بندی می‌کند. اساس نظریهٔ سرل بر این نکته استوار است که بیان یک جمله، برابر است با انجام یک عمل یا بخشی از فرآیند انجام یک عمل در بستر نهادها و هنجارهای اجتماعی (به‌نقل از حسینی معصوم و رادمرد، ۱۳۹۴: ۷۰). در ادامه، هرکدام از این کنش‌های گفتاری تعریف می‌شوند (ر.ک: سرل، ۱۹۶۹: ۱۰-۱۶؛ حسینی معصوم و رادمرد، ۱۳۹۴: ۷۱-۷۲):

۱. **کنش اظهاری**: برای بیان واقعیت یا گزارش رویداد به‌کار می‌رود و به اوضاع جهان اشاره دارد. جمله‌هایی شامل اخبار، اظهارات، ادعاها، نتیجه‌گیری‌ها، بیان‌ها و مانند آن دارای کنش اظهاری‌اند.

۲. **کنش ترغیبی**: در این کنش‌ها، هدف اجبار یا تشویق مخاطب به انجام یا ترک کاری است که معمولاً در قالب امر و نهی، پرسش، طلب، خواهش، پیشنهاد یا فرمان ظاهر می‌شود.

۳. **کنش تعهدی**: برای بیان تعهد گوینده به عملی کاربرد دارد. قول‌دادن و وعده‌دادن، سوگندخوردن، تهدیدکردن و انکارکردن نمونه‌هایی از این نوع کنش گفتار هستند.

۴. **کنش عاطفی**: برای بیان احساسات، نگرش‌ها و حالت روان‌شناختی افراد در مقابل رویدادها نظیر شادی، درد، غم، تأسف، علاقه یا تنفر به‌کار می‌رود. این‌گونه کنش‌ها در درود و سلام، عذرخواهی، سرزنش، تبریک، تحسین و تشکر دیده می‌شود.

۵. **کنش اعلانی**: برای اعلان رویداد به‌کار می‌رود. در این کنش، گوینده موقعیت جدیدی را به مخاطب اعلام می‌کند و معمولاً به‌محض بیان آنها تغییراتی واقعی در جهان خارج ایجاد می‌شود. اعمالی مانند محکوم‌کردن، اعلام‌کردن، ابطال‌کردن، نامیدن، تحریم‌کردن، عقد ازدواج، منصوب‌کردن، عزل‌کردن و نظایر آن کنش اعلانی محسوب می‌شوند.

توضیحات بالا تشخیص کنش گفتار را آسان می‌کند و بدین‌ترتیب تمایز میان دو مقولهٔ روایت صدا و روایت کنش گفتار را نیز تسهیل می‌کند. به این مثال توجه کنید:

۱. «عبدالـله‌خان در بارگاه نشسته و **صحبت می‌داشت** که درِ بارگاه بر هم خورد» (*حسین کرد شبستری*، بی‌تا: ۴).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1395.24.81.1.3]
[DOI: 10.18869/acadpub.jpll.24.81.7]

همان‌طور که در مثال مشاهده می‌کنید، نویسنده با به‌کارگیری فعل ″صحبت‌کردن″ به پدیدهٔ کلی گفتار اشاره می‌کند و کنش گفتار را مشخص نمی‌کند و دربارهٔ موضوع و محتوای گفته‌های عبدالـله‌خان نیز مطلبی بیان نکرده است. بنابراین، در مثال بالا قسمتی که با حروف سیاه مشخص شده نمونه‌ای از روایت صداست.

جدول ۱ نشان می‌دهد که در پیکرهٔ ۱، مقولهٔ روایت صدا چهارده‌بار استفاده شده که ۱/۳۸درصد کل پیکره را تشکیل می‌دهد. این مقوله ازلحاظ میزان کاربرد در مقایسه با دیگر مقوله‌ها در این پیکره در جایگاه چهارم قرار دارد. این بدان‌معناست که در داستان‌های قبل از دورهٔ ترجمه، که پیکرهٔ ۱ را تشکیل می‌دهند، از مقولهٔ روایت صدا به میزان بسیار کمی استفاده شده است. همان‌طور که در جدول ۲ می‌بینیم، در پیکرهٔ ۲ که داستان‌های دورهٔ بعد از ترجمه را شامل می‌شود این مقوله چهارده‌بار به‌کار رفته است و ۲درصد مجموع داده‌ها را تشکیل می‌دهد و ازلحاظ رده‌بندی در جایگاه پنجم قرار می‌گیرد. بنابراین، میزان کاربرد این مقوله در دورهٔ قبل و بعد از ترجمه تغییر چندانی نداشته است و در هر دو پیکرهٔ ۱و ۲ نویسندگان به میزان کمی از این مقوله در داستان‌های خود استفاده کرده‌اند. شاید علت کاربرد کم این مقوله با این گفتهٔ سمینو و شرت (۲۰۰۴: ۶۹) توجیه‌پذیر باشد که مقولهٔ روایت صدا، به‌دلیل اینکه جزئیات و محتوای گفتار را نشان نمی‌دهد و از کلام اصلی شخصیت داستان فاصله می‌گیرد، تأثیر نمایشی[۱۵] در خواننده ایجاد نمی‌کند و بنابراین، کمتر از دیگر مقوله‌ها به‌کار می‌رود.

روایت صدا نقش و کارکردهای متفاوتی دارد. بارزترین نقش این مقوله نقش معرفی‌کنندگی[۱۶] آن است. درواقع، مؤلف با استفاده از این مقوله خواننده را در جریان رخداد گفتار می‌گذارد و از وقوع آن خبر می‌دهد و در ادامه جزئیات بیشتر را با استفاده از دیگر مقوله‌های بازنمایی گفتار در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

۲. «ببرازخان و اخترخان برخاستند رفتند در بارگاه عبدالـله‌خان. در بارگاه عبدالـله‌خان و عبدالمؤمن‌خان به‌عزت تمام ایشان را به‌جای خود نشانیدند، محبت بسیار کردند **و از هر دری سخنی در میان آوردند**. عبدالـله‌خان به اخترخان و ببرازخان گفت ای دلاوران شما کی تشریف می‌برید. گفتند امروز آمده‌ایم بارگاه که تدارک ببینید تا روانه شویم...» (*حسین کرد شبستری*، بی‌تا: ۵).

در مثال قبل، جمله‌ای که با حروف سیاه مشخص شده روایت صداست؛ زیرا در آن هیچ اشاره‌ای به کنش گفتار یا موضوع و محتوای آن نشده و تنها نشان می‌دهد که گفتار صورت گرفته است. مؤلف می‌خواسته با آوردن این جمله رخداد گفتار یا همان مکالمه‌هایی را که

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1395.24.81.1.3]
[DOI: 10.18869/acadpub.jpll.24.81.7]

میان ببرازخان، اخترخان و عبدالـله‌خان صورت گرفته معرفی کند؛ و همان‌طور که در جمله‌های بعد می‌بینیم، بازنمایی گفتار به‌شکل مستقیم آزاد جزئیات مکالمه بین شخصیت‌های داستان را آشکار می‌سازد.

یکی دیگر از کارکردهای روایت صدا در داستان اتخاذ زاویهٔ دید[۱۷] خاص در روایت است که به صورت‌های ذیل ظهور می‌کند (سمینو و شرت، ۲۰۰۴: ۷۰):

الف. بازنمایی گفته یا گفته‌هایی که ازنظر زاویهٔ دید خاص بی‌اهمیت است؛

ب. بازنمایی گفته یا گفته‌هایی که از زاویهٔ دید خاص فاصله دارد و به‌راحتی قابل شنیدن نیست؛

ج. بازنمایی گفته یا گفته‌هایی که به‌صورتی ادا شده است که از زاویهٔ دیدی خاص قابل شنیدن نباشد؛

برای نمونه در مثال ذیل جمله‌ای که با حروف سیاه مشخص شده نمونه‌ای از روایت صداست که چون محتوای گفته‌ها ازنظر گوینده بی‌اهمیت بوده آن را به این شکل آورده است:

۳. «دوقلوها عاشق شنیدن قصه‌هایی بودند که از خودم می‌ساختم و قهرمان‌های قصه خودشان بودند. **هنوز داشتم آسمان‌ریسمان می‌بافتم** که پلک‌هایشان سنگین شد» (پیرزاد، ۱۳۸۱: ۱۹).

در میان نمونه‌های مقولهٔ روایت صدا در دو پیکره ازلحاظ کارکرد و ویژگی‌های نقشی تفاوت چندانی وجود ندارد.

مقولهٔ روایت صدا ازلحاظ ویژگی‌های زبان‌شناختی و صوری درقالب بند یا گروه اسمی می‌آید که در بند، فعل به گفتار اشاره دارد (مثال ۴) و در گروه اسمی، اسم ناظر بر گفتار است (مثال ۵):

۴. «او را از قفس بیرون کردندی و ایشان با یکدیگر **سخن گفتندی**» (طرسوسی، ۱۳۴۴: ۵).

۵. «چون صدای او به سمع شریف رسید» (دهلوی، بی‌تا: ۶).

بررسی‌های انجام‌شده هیچ تفاوتی را ازنظر ویژگی‌های زبان‌شناختی میان مقوله‌های روایت صدا در دو پیکره نشان نمی‌دهد و همهٔ آنها از لحاظ صوری یکسان هستند.

۳. ۲. روایت کنش گفتار (با/ بدون موضوع)

در این شیوهٔ بازنمایی گفتار، راوی نوع کنش گفتار را مشخص می‌سازد و بنابر هدف خود می‌تواند به موضوع گفتار هیچ اشاره‌ای نکند (مثال ۶) یا آن را بیان کند (مثال ۷)، اما واژگان، عبارات و شیوهٔ دستوری گوینده را عیناً منتقل نمی‌کند. کنش گفتار را در قسمت

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1395.24.81.1.3]
[DOI: 10.18869/acadpub.jpll.24.81.7]

قبل توضیح دادیم و از بیان مجدد آن در این بخش خودداری می‌کنیم. مثال ۶ نمونه‌ای از مقولهٔ روایت کنش گفتار بدون موضوع است؛ زیرا فعل "آفرین کرد" در اینجا به‌معنای "تحسین‌کردن و درودفرستادن" است که براساس طبقه‌بندی سرل، که در بخش قبل به آن اشاره کردیم، نوعی کنش گفتار عاطفی است و بنابراین، کنش گفتار صورت پذیرفته است. همچنین، ازآنجاکه موضوع تحسین‌کردن مشخص نشده است، این نوع روایت کنش گفتار در شاخهٔ روایت کنش گفتار بدون موضوع قرار می‌گیرد. در مثال شمارهٔ ۷ نیز از فعل "طلبیدن" استفاده شده که کنش گفتار ترغیبی است و چون موضوع طلبیدن یعنی "حجره به‌سبب سکنی" نیز آمده، این جمله روایت کنش گفتار با موضوع نامیده می‌شود:

۶. «مرزبان شاه بر هامان وزیر **آفرین کرد**» (الارجانی، ۱۳۴۷: ۴).

۷. «**حجره به سبب سکنایی طلبیدم**» (دهلوی، بی‌تا: ۱۷).

همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد، روایت کنش گفتار ۱۹۲ بار در پیکرهٔ ۱ تکرار شده است و ۱۸/۹۹درصد کل پیکره را تشکیل می‌دهد. این مقوله در بین پنج مقولهٔ بازنمایی گفتار در کل پیکرهٔ ۱ در جایگاه دوم قرار دارد و بسامد بالایی را به نسبت دیگر مقوله‌ها به خود اختصاص داده است. از بین کل موارد روایت کنش گفتار در پیکرهٔ ۱، ۱۰۱ مورد یعنی ۹/۹۹ درصد را کنش گفتار بدون موضوع و ۹۱ مورد یعنی ۹ درصد را کنش گفتار با موضوع تشکیل داده است. این نشان می‌دهد با وجود اینکه تفاوت محسوسی ازنظر فراوانی بین کنش گفتار با موضوع و بدون موضوع وجود ندارد، فراوانی روایت کنش گفتار بدون موضوع در پیکرهٔ ۱ بیشتر است. در جدول ۲، فراوانی روایت کنش گفتار ۷۷ مورد ذکر شده که ۱۱درصد کل پیکره را شامل می‌شود. در این پیکره نیز این مقولهٔ بازنمایی گفتار در ردهٔ دوم قرار دارد و بعد از گفتار مستقیم بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است. در پیکرهٔ ۲، ۳۸ مورد یعنی ۵/۴۳ درصد از موارد روایت کنش گفتار را کنش گفتار بدون موضوع و ۳۹ مورد آن یعنی ۵/۵۷ درصد را روایت کنش گفتار با موضوع تشکیل داده است. در این پیکره نیز تفاوت زیادی میان روایت کنش گفتار با موضوع و بدون موضوع وجود ندارد و کنش گفتار با موضوع تنها یک مورد از کنش گفتار بدون موضوع بیشتر است. از این اعداد و ارقام نتیجه می‌گیریم با وجود اینکه مقولهٔ روایت کنش گفتار در هر دو دورهٔ قبل از ترجمه (پیکرهٔ ۱) و بعد از ترجمه (پیکرهٔ ۲) به میزان زیادی به‌کار رفته است، در دورهٔ قبل از ترجمه بیشتر استفاده شده و از این مقوله ۱۱۵ مورد بیشتر در پیکرهٔ ۱ وجود دارد.

علت کاربرد زیاد این مقوله خاصیت خلاصه‌کنندگی[۱۸] آن است؛ زیرا جزئیات گفتار را که درقالب یک یا چند جمله بیان شده است خلاصه می‌کند (سمینو و شرت، ۲۰۰۴: ۷۳).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1395.24.81.1.3]
[DOI: 10.18869/acadpub.jpll.24.81.7]

در مثال‌های ذیل این خاصیت خلاصه‌کنندگی قابل مشاهده است: در مثال ۸، فعل "استفسارنمودن" به‌معنای "پرسیدن" است که نوعی کنش گفتار ترغیبی محسوب می‌شود و بنابراین، بازنمایی گفتار از نوع روایت کنش گفتار است، اما نکتهٔ مهم آن است که اگرچه راوی موضوع گفتار را که "احوال‌پرسی از امرا و اعیان" است بیان کرده، عین واژگان، عبارات و شیوهٔ دستوریِ گوینده برای احوال‌پرسی از تک‌تک امرا و اعیان را منتقل نکرده و آن را به‌صورت خلاصه و در قالب یک عبارت منتقل کرده است:

۸. «زبان به تلطف گشود و **از احوال امرا و اعیان استفسار نمود**» (دهلوی، بی‌تا: ۸).

۹. «**داستان‌ها از هنرپروری رژیم ایران در اروپا و امریکا نقل کرد**» (علوی، ۱۳۸۹: ۲۶).

فعل "نقل کرد" در مثال ۹ نیز نوعی کنش اظهاری است؛ زیرا گزارشی از حقایق و واقعیات جهان خارج ارائه می‌کند؛ بااین‌حال، همان‌طورکه در مثال مشخص است، راوی صرفاً با اشاره‌ای کلی به موضوع گفتار، یعنی "داستان‌هایی درباب هنرپروری ایران در اروپا و امریکا"، به‌طور خلاصه گفتار را به نمایش می‌گذارد، بدون اینکه جزئیات گفتار و عین عبارات و کلمات گوینده را بیان کند.

یکی دیگر از ویژگی‌های نقشی این مقوله، فراهم‌آوردن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای[۱۹] برای ارائهٔ گفتاری است که جزئیات بیشتر آن در ادامهٔ متن از طریق روش‌های دیگرِ بازنمایی گفتار نقل می‌شود. روایت کنش گفتار در مثال ذیل دارای این کارکرد است:

۱۰. «اصرار داشت که طبیبی خبر کنند ولی حاج‌عمو زیر بار نمی‌رفت **و از گرانی دوا و بی‌انصافی اطباء نالیده** می‌گفت شما جوان و جاهل‌ها که به حکیم‌باشی‌های خودمان اعتقاد ندارید و این دکترهای بی‌کتاب ازفرنگ‌برگشته هم پول خون پدرشان را از آدم می‌خواهند و کیسهٔ ما فقیر فقرا اجازهٔ این‌گونه زیاده‌روی‌ها را نمی‌دهد» (جمالزاده، ۱۳۳۳: ۲۱).

در مثال بالا، جمله‌ای که با حروف سیاه مشخص شده به روایت کنش گفتار با موضوع اشاره دارد؛ زیرا هم کنش گفتار (نالیدن، کنش عاطفی) صورت گرفته و هم به موضوع گفتار (گرانی دوا و بی‌انصافی اطباء) اشاره شده است. در اینجا، روایت کنش گفتار زمینه را برای گفتار حاج‌عمو، که در ادامه و ازطریق گفتار مستقیم آزاد آمده است، فراهم می‌کند. درواقع، نویسنده ابتدا ازطریق روایت کنش گفتار خواننده را در جریان موضوع و زمینهٔ بحث، که در ادامه به‌شکل گفتار مستقیم آزاد آمده است، قرار می‌دهد. بین پیکرهٔ ۱ و ۲ از لحاظ ویژگی‌های نقشی تفاوتی وجود ندارد.

برخلاف گفتار غیرمستقیم، که متشکل از دو بند گزارشگر و گزارش‌کننده است، روایت کنش گفتار در اغلب موارد از یک بند تشکیل می‌شود و بنابراین موجزتر و خلاصه‌تر از

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1395.24.81.1.3]
[DOI: 10.18869/acadpub.jpll.24.81.7]

گفتار غیرمستقیم است. در بسیاری از موارد روایت کنش گفتار به‌لحاظ صوری دارای یک بند است که در آن، بعد از فعل ناظر بر کنش گفتار، موضوع یا محتوای گفتار درقالب گروه اسمی، گروه حرف اضافه‌ای یا به شکل‌های دیگر معرفی می‌شود. در مثال ذیل، ابتدا فعل ناظر بر گفتار (در اینجا کنش اظهاری) و سپس جزئیات گفتار آورده شده است:

۱۱. «شاه کابل **فرمود تا چاهی بکندند و تیغ و زوبین و نیزه در تک چاه اندر نشاندند و رستم را بخواندند**» (طرسوسی، ۱۳۴۴: ۳).

موارد زیادی نیز وجود دارد که ابتدا موضوع یا محتوای گفتار درقالب گروه اسمی یا گروه حرف اضافه‌ای بیان شده و در آخر فعل ناظر بر گفتار (در اینجا کنش اظهاری) آمده است. مثال ذیل این‌گونه است:

۱۲. «**از غروب یک ستارهٔ درخشان در افق هنر ایران سخن گفتند**» (علوی، ۱۳۸۹: ۱۲). به‌لحاظ صوری و زبان‌شناختی تفاوتی میان پیکرهٔ ۱ و ۲ وجود ندارد.

۳. ۳. گفتار غیرمستقیم

گفتار غیرمستقیم محتوای گفته‌های شخصیت داستان را منتقل می‌کند، بدون اینکه ملزم به حفظ کلمات و دستور گفتار اصلی باشد (سمینو و شرت، ۲۰۰۴: ۷۸). اخوت (۱۳۷۱: ۲۰۰) نیز معتقد است چنانچه محتوای گفتار بدون توجه به ″سیاق کلامی گوینده″ بیان شود، گفتار به‌صورت نقل قول غیرمستقیم بیان شده است که در این حالت نقل قول فقط مضمون کلام را منتقل می‌کند.

گفتار غیرمستقیم یا همان نقل قول غیرمستقیم در زبان فارسی نامی آشناست. بااین‌حال، این مقوله به‌اندازهٔ گفتار مستقیم یا همان نقل قول مستقیم شناخته شده است، اما به‌اندازهٔ گفتار مستقیم در داستان‌های فارسی کاربرد ندارد. در پیکرهٔ ۱ و ۲ تعداد گفتار مستقیم (آزاد) به‌ترتیب تقریباً ۱۹ و ۱۰ برابر گفتار غیرمستقیم است. گفتار غیرمستقیم در پیکرهٔ شمارهٔ ۱، ۴۰ بار به‌کار رفته است و ۳/۹۶ درصد کل پیکره را تشکیل می‌دهد. این مقولهٔ بازنمایی گفتار به نسبت دیگر مقوله‌ها در ردهٔ سوم قرار دارد. در پیکرهٔ شمارهٔ ۲، ۵۴ مورد گفتار غیرمستقیم وجود دارد که با این تعداد ۷/۷۱ درصد کل پیکره را به خود اختصاص داده است و در ردهٔ سوم قرار دارد. بنابراین، با اینکه کاربرد گفتار غیرمستقیم در دورهٔ بعد از ترجمه افزایش یافته و تقریباً دوبرابر شده است، همچنان این میزان در مقایسه با گفتار مستقیم در موقعیت بسیار پایین‌تری قرار دارد و در جایگاه میانی قرار گرفته است.

به‌لحاظ نقشی، از گفتار غیرمستقیم بیشتر در مواقعی استفاده می‌شود که محتوای گفته‌های شخصیت داستان نسبت به صورت و دستور گفته‌های او از اهمیت بیشتری

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1395.24.81.1.3]
[DOI: 10.18869/acadpub.jpll.24.81.7]

برخوردار باشد (سمینو، ۲۰۰۴: ۴۳۴) یا پوشش‌دادن عین گفته(ها)ی گوینده امکان‌پذیر نباشد. گاهی اوقات، از گفتار غیرمستقیم به‌دلیل نقش خلاصه‌کنندگی آن استفاده می‌شود، چون با استفاده از این مقوله مؤلف ملزم به حفظ ساختار گفته‌های گوینده نیست و فقط محتوا را منتقل می‌کند. نویسندهٔ داستان از کاربرد گفتار غیرمستقیم ممکن است انگیزه‌های دیگری نیز داشته باشد؛ مثلاً ممکن است از این شیوهٔ بازنمایی گفتار به‌منظور ایجاد پیش‌زمینه (قسمت مشخص‌شده در مثال ۱۳) برای قسمت بعدی روایت استفاده کند. همان‌طور که در مثال ذیل مشخص است، نویسنده ابتدا حرف مدیر را به‌صورت غیرمستقیم آورده و از این طریق موضوع صحبت (واگذاری اختیارات مدیر به ناظم) را مطرح می‌کند و در ادامه، با استفاده از گفتار مستقیم آزاد و روایت موضوع را روشن می‌کند:

۱۳. «**گفتم که حاضرم همهٔ اختیارات را به او بدهم**. ″اصلاً انگار کن که هنوز مدیری نیامده.″ مهر مدرسه هم پهلوی خودش باشد» (آل‌احمد، ۱۳۶۲: ۲۳).

همچنین، در مکالمه‌های داستانی، نویسنده از شیوهٔ غیرمستقیم به‌منظور تقابل این شیوه با دیگر شیوه‌های بازنمایی گفتار خصوصاً شیوهٔ مستقیم (آزاد) استفاده می‌کند. برای نمونه، در مثال ذیل، نویسنده گفتار راوی را که شخصیت اصلی داستان و مدیر است به‌صورت غیرمستقیم (قسمت مشخص‌شده در مثال ۱۴) آورده و درمقابل گفتار ناظم را که دیگر شخصیت داستان است به‌صورت مستقیم آزاد (قسمت پررنگ در مثال ۱۴) بیان کرده است تا میان گفتهٔ این دو شخصیت تقابل ایجاد کند. همچنین، نویسنده با استفاده از گفتار غیرمستقیم درکنار گفتار مستقیم (آزاد) می‌تواند تفاوت دیدگاه و نگرش دو شخصیت داستان را نشان دهد:

۱۴. «**گفتم در آن حالی که داشت ممکن بود گردن یک‌کدامشان را بشکند**، که یک‌مرتبه براق شد: اگه یک روز جلوشونو نگیرید سوارتون میشند آقا. نمی‌دونید چه قاطرهای چموشی شده‌اند آقا» (آل‌احمد، ۱۳۶۲: ۳۰).

به‌لحاظ صوری، گفتار غیرمستقیم بند وابسته‌ای است به نام بند گزارش‌کننده[۲۰] (قسمت مشخص‌شده در مثال ۱۵) که به‌دنبال بند گزارشگر[۲۱] (قسمت مشخص‌شده در مثال ۱۵) می‌آید. در زبان انگلیسی، زبان دستوری به‌کاررفته در این بند وابسته (ضمایر، شناسه‌های فعلی، زمان، اشارتگرها[۲۲] و غیره) متناسب با زبان راوی است و با زبان گوینده تفاوت دارد و همچنین، معمولاً بین بند گزارشگر و گزارش‌کننده کلمهٔ that قرار می‌گیرد که البته حذف‌شدنی است (سمینو، ۲۰۰۴: ۴۳۴). این بدان‌معناست که در زبان انگلیسی زمان گفتار یک زمان به عقب برمی‌گردد و معمولاً در حالت گذشته است و ضمایر به

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1395.24.81.1.3]
[DOI: 10.18869/acadpub.jpll.24.81.7]

سوم‌شخص یا اول‌شخص تغییر می‌کنند و اشارتگرهای زمانی و مکانی نیز به‌ترتیب به اشارتگرهای زمانی و مکانی دور (there←here یا then←now) تبدیل می‌شوند. اما، نمونه‌های گفتار غیرمستقیم در دو پیکره حاکی از آن است که در زبان فارسی در بسیاری از مواقع زمان تغییر نمی‌کند و زمان در نمونه‌های گفتار غیرمستقیم هم به‌صورت ماضی و هم به صورت مضارع است. مضارع ساده با ۴۰ مورد، مضارع التزامی با ۳۱ مورد، ماضی نقلی با ۱۵ مورد و ماضی ساده با ۱۲ مورد به‌ترتیب بیشترین بسامد زمان افعال در گفتار غیرمستقیم را به خود اختصاص داده‌اند. ۳ مورد ماضی استمراری نیز در بین داده‌ها به چشم می‌خورد. علاوه‌براین، ۳ مورد مضارع اخباری نیز تنها در پیکرهٔ ۲ وجود دارد.

۱۵. «بعد برای هزارمین بار توی گوش آرمن خواندم که **پنهان‌کردن اسباب‌بازی دوقلوها اصلاً کار بامزه‌ای نیست و در ضمن جلو مردم نباید به خواهرش بگوید ″خنگ خدا″**» (پیرزاد، ۱۳۸۱: ۱۸).

همچنین، در زبان فارسی در گفتار غیرمستقیم، اشارتگرهای زمانی و مکانی تغییر نمی‌کنند:

۱۶. «گفتم در عوض می‌توانند **فردا** از حیاط گل بچینند برای خانم مانیا معلم محبوبشان ببرند، به‌شرطی که باقی گل‌ها را لگد نکنند» (پیرزاد، ۱۳۸۱: ۱۷).

در پیکرهٔ ۱ و ۲ بیشتر ضمایر و شناسهٔ افعال به‌صورت سوم‌شخص و گاهی اوقات به‌صورت اول‌شخص ظاهر شده‌اند. برای اتصال بند گزارشگر و بند گزارش‌کننده در گفتار غیرمستقیم در بیشتر موارد از حرف ربط ″که″ استفاده شده (مثال ۱۷) و در برخی موارد نیز حرف ربط ″تا″ به‌کار رفته است (مثال ۱۸). البته، از میزان کاربرد ″تا″ به‌منزلهٔ حرف ربط در دورهٔ پس‌از ترجمه کاسته شده و تنها یک مورد در این پیکره استفاده شده است. در برخی موارد در دو پیکره از هیچ‌گونه حرف ربطی استفاده نشده است (مثال ۱۹):

۱۷. «حکیمی را گفتند **که** عشق را از کجا گرفته» (دقایقی مروزی، ۱۳۴۵: ۲۱).

۱۸. «بهمن بفرمود **تا** مادر رستم را در خانه کنند و قفس آهن و پولاد بسازند» (طرسوسی، ۱۳۴۴: ۵).

۱۹. «گفت سخت‌تر از این کمان بیارند» (*قصهٔ حمزه*، ۱۳۴۷: ۲۱).

۳. ٤. گفتار غیرمستقیم آزاد

گفتار غیرمستقیم آزاد ترکیبی از گفتار مستقیم و گفتار غیرمستقیم است (سمینو و شرت، ۲۰۰۴: ۸۴). در این مقولهٔ بازنمایی گفتار، صدای راوی و شخصیت داستان هم‌زمان شنیده می‌شود و ویژگی‌های زبان‌شناختی گفتار مستقیم و گفتار غیرمستقیم درکنار یکدیگر قرار می‌گیرند. به‌گفتهٔ شاهین (۱۳۸۰: ۹)، گفتار غیرمستقیم آزاد این امکان را ایجاد می‌کند تا

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1395.24.81.1.3]
[DOI: 10.18869/acadpub.jpll.24.81.7]

نویسنده نظر خود را با نظر شخصیتی که گفتارش را نقل می‌کند درهم‌آمیزد. به‌عقیدهٔ او، در گفتار غیرمستقیم آزاد همچون گفتار مستقیم جمله‌ها مستقل‌اند و غالباً فاقد گیومه، دونقطه و بند گزارشگر، ولی گاه از نشانه‌های تعجب یا پرسش در آنها استفاده شده است. همچنین، در این نوع بازنمایی گفتار، همانند گفتار غیرمستقیم زمان افعال و ضمایر شخصی تغییر می‌کنند و این باعث می‌شود گفتار نقل‌شده کاملاً در دل روایت جا گیرد.

بااین‌حال، برخی محققان (لیچ و شرت، ۱۹۹۰: ۳۲۹؛ سمینو و شرت، ۲۰۰۴: ۸۶) معیار و ملاک خاصی برای گفتار غیرمستقیم آزاد تعریف نمی‌کنند و هرگونه ویژگی زبانی (اعم از ویژگی‌های نحوی، واژگانی و غیره) را که مبین حرکت از سمت صدای راوی به سمت گفتار گوینده باشد، گفتار غیرمستقیم آزاد می‌دانند. مثال ذیل نمونه‌ای از گفتار غیرمستقیم آزاد است:

۲۰. «عبدوس سر به زیر افکنده و خاموش در اندیشه بود. این از خط پیشانی و شقیقه‌هایش پیدا بود. دختر دریافت که کلام آخر را بی‌پروا گفته است و این سخن به عبدوس گران آمده بود. **عبدوس حالا به چه پنداری است؟ از این کلام چه معناهایی برای خود می‌گیرد؟** مرد در باد گم شده است. **باید یک‌جوری حالیش کرد. باید برایش روشن کرد و به او فهماند که هیچ خبر ناگواری نبوده**» (دولت‌آبادی، ۱۳۶۸: ۲۲).

در مثال بالا، قسمت‌هایی که با حروف عادی متن نوشته شده‌اند، کلام راوی و قسمت‌هایی که با حروف سیاه مشخص شده‌اند گفتار غیرمستقیم آزاد هستند. همان‌طورکه می‌بینید، در این قسمت راوی از شکل پرسشی که مناسب کلام شخصیت داستان یعنی مارال است استفاده کرده و گفته‌ها و اندیشه‌های مارال را در دل روایت آورده است.

همان‌طورکه در جدول ۱ نشان داده شده است، در پیکرهٔ ۱ گفتار غیرمستقیم آزاد با فراوانی ۴ مورد ۰/۴درصد کل پیکره را تشکیل داده است و در ردهٔ پنجم قرار گرفته است. بنابراین، گفتار غیرمستقیم آزاد کمترین بسامد را در پیکرهٔ ۱ به خود اختصاص داده است و این بدان‌معناست که این شیوهٔ بازنمایی گفتار در داستان‌های قبل از دورهٔ ترجمه رایج نبوده است. اما طبق جدول ۲، تعداد این مقوله در پیکرهٔ ۲، ۳۷ مورد است و با ۵/۲۹ درصد در جایگاه چهارم قرار دارد. این رقم نشان‌دهندهٔ این حقیقت است که تعداد گفتار غیرمستقیم آزاد در داستان‌های بعد از دورهٔ ترجمه افزایش چشمگیری داشته و کاربرد این مقوله در میان نویسندگان این دوره افزایش یافته است و طبق نمودار ۱ و در مقایسه با داستان‌های قبل از ترجمه، این میزان از ۰/۴درصد به ۵/۲۹ درصد افزایش یافته است. به‌طورکلی، شاید علت کاربرد کم این مقوله به‌نسبتِ دیگر شیوه‌های بازنمایی گفتار در هر دو پیکره، نوعی ابهام باشد که در تشخیص گویندهٔ گفتار در گفتار غیرمستقیم آزاد وجود

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1395.24.81.1.3]
[DOI: 10.18869/acadpub.jpll.24.81.7]

دارد. درواقع، خواننده نمی‌تواند به‌راحتی تشخیص دهد که چه کسی سخن می‌گوید و آیا گویندهٔ این جمله‌ها راوی است یا شخصیت داستان. فقدان بند گزارشگر در بیشتر گفتارهای غیرمستقیم آزاد نیز در ایجاد این ابهام تأثیر به‌سزایی دارد.

گفتار غیرمستقیم آزاد ترکیبی از سبک و صدای راوی با لحن و بیان شخصیت است که کارکردهای متفاوتی می‌تواند داشته باشد. همان‌طور که نجومیان و غفاری (۱۳۹۰: ۱۰۲) اشاره کرده‌اند، راوی با استفاده از گفتار غیرمستقیم آزاد می‌تواند فاصلهٔ خود را با شخصیت داستان کم یا زیاد کند. گاهی اوقات راوی با کم‌کردن فاصلهٔ خود با شخصیت داستان و نزدیک‌کردن خود به او ازطریق گفتار غیرمستقیم آزاد، با او هم‌دلی می‌کند که این خود نیز باعث احساس هم‌دلی خواننده با شخصیت داستان می‌شود؛ برای مثال، قسمت مشخص‌شده در مثال ذیل، گفتار غیرمستقیم آزاد است که دارای همین کارکرد است. همان‌طور که در ادامه می‌بینید، پیش‌ازاین، راوی فضای خانهٔ سودابه و پدر و مادر او را توصیف می‌کند و بعد از آن، سخنان سودابه را که با خود حرف می‌زند درقالب گفتار غیرمستقیم آزاد می‌آورد. در اینجا، راوی/نویسنده خواسته با استفاده از این شیوهٔ بازنمایی گفتار مخاطب را در جریان اندیشه‌ها و احساسات سودابه قرار دهد تا بدین‌طریق خواننده سودابه را بیشتر درک و با او احساس هم‌دلی کند:

۲۱. «خانه حکایت از ذوق سلیم و روح لطیف صاحب‌خانه داشت. پدر اهل هنر بود و شعر می‌گفت. زیاد مطالعه می‌کرد. مامان نقاشی می‌کرد. البته نقاش چندان زبردستی نبود ولی اهل ذوق بود و همین او را در چشم سودابه بیشتر محکوم می‌کرد. **چگونه این آدم‌های خوش ذوق که این‌همه ادعای هنردوستی و خوش‌طبعی می‌کردند، می‌توانستند از جادوی عشق غافل باشند و احساسات او را نادیده بگیرند؟ چطور می‌توانستند او را از ازدواج با مردی که دوست داشت منع کنند؟**» (حاج‌سیدجوادی، ۱۳۷۸: ۷).

همان‌طور که در مثال می‌بینید، نویسنده از ضمایر سوم‌شخص (مثل او) و نه ضمایر اول‌شخص برای انتقال کلام سودابه استفاده کرده است و خواننده در درجهٔ اول حس می‌کند که صدای راوی را می‌شنود، اما محتوای گفته‌ها و خصوصاً وجود علامت سؤال، که از ویژگی‌های گفتاری گوینده است نه راوی، باعث می‌شود خواننده صدای شخصیت داستان و گویندهٔ اصلی یعنی سودابه را نیز درک کند. این هم‌نشینی صدای راوی و شخصیت داستان درکنار یکدیگر، گفتار غیرمستقیم آزاد را به وجود آورده است. همان‌طور که پیشتر نیز توضیح دادیم، نویسنده با به‌کارگیری این شیوه باعث شده است خواننده با دنیای درون و فکر سودابه آشنا شود و بنابراین، بیشتر او را درک کند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1395.24.81.1.3]
[DOI: 10.18869/acadpub.jpll.24.81.7]

درمقابل، نویسنده می‌تواند از گفتار غیرمستقیم آزاد به‌منظور ایجاد فاصله[۲۳] و کنایه[۲۴] استفاده کند (سمینو و شرت، ۲۰۰۴: ۸۳). در این حالت، راوی فاصلهٔ خود را با شخصیت داستان به حداکثر می‌رساند؛ به‌گونه‌ای‌که احساس کنیم راوی به شخصیت نگاهی کنایه‌آمیز دارد. در مثال ذیل، نویسنده با استفاده از گفتار غیرمستقیم آزاد (قسمت مشخص‌شده) حدس و گمان و خیال‌پردازی بیهوده و باطل زری را که یکی از شخصیت‌های داستان است بیان می‌کند. در ابتدای این داستان، ماجرای حضور زری در عروسی نقل می‌شود که در آن شب گوشوارهٔ زری را برای عروس قرض می‌گیرند. این گوشواره برای زری از ارزش زیادی برخوردار است و زری خود می‌داند که آنها دیگر آن گوشواره را پس نمی‌دهند. باوجوداین، فردای عروسی به‌محض شنیدن صدای در خیال می‌کند که شاید گوشوارهٔ او را پس آورده‌اند. بنابراین، نویسنده این خیال‌پردازی باطل زری را ازطریق گفتار غیرمستقیم آزاد بیان کرده تا نگاه کنایه‌آمیز خود را متوجه زری گرداند و حس سرزنش خواننده را به او برانگیزد:

۲۲. «در باغ را زدند. دل زری تو ریخت. **لابد گوشواره‌ها را از خانهٔ حاکم آورده بودند. اما صبح به آن زودی**؟ تازه آفتاب زده بود. به ایوان آمد. غلام را دید که در طویله در انتهای باغ با پیراهن و زیرشلواری بیرون آمد» (دانشور، ۱۳۴۸: ۲۳).

حری (۱۳۸۹: ۲۱) و نجومیان و غفاری (۱۳۹۰: ۱۰۲) ایجاد ابهام،[۲۵] دادن حالت نمایشی به متن و افزایش عمق معنایی متن را از دیگر کارکردهای گفتار غیرمستقیم آزاد می‌دانند. یکی از کارکردهای مهم گفتار غیرمستقیم آزاد کشف اندیشه، احساسات و نگرش شخصیت‌های اصلی داستان است (عبدی و مرادی، ۱۳۹۰: ۲۷۷). درواقع، از این مقوله برای "گفت‌وگوی درونی" شخصیت‌ها یا "گذشته‌نگری"[۲۶] استفاده می‌شود:

۲۳. «همهٔ خواست و نیت دختر این بود که بتواند هرچه را بر او گذشته در دل خود نگاه دارد و اندوهی را که در سینه‌اش انبار شده به کسی بروز ندهد. چه این را به خرد می‌دانست که آدم بیابان همچو عقاب است. آزاد و ناپرابسته. **پس نباید دیگر خواری‌های بیرون دیوار را که بر عزیزانش روا می‌شود برایش بازگفت. چه سود که مارال از نگاه‌های بی‌پروای صمصام‌خان، لبخندهای مقبول و سبیل‌جنباندن‌هایش برای دلاور و عبدوس بگوید؟ چه سود از واگوکردن پچ‌پچه‌های زنان و دختران، پای دستگاه‌های جاجیم و گلیم‌بافی**؟» (دولت‌آبادی، ۱/۱۳۶۸: ۲۳).

همچنان‌که در مثال بالا می‌بینید، نویسنده گفت‌وگوی درونی و گذشته‌نگری مارال را که شخصیت اصلی داستان است به‌صورت گفتار غیرمستقیم آزاد آورده است. نگاه‌های بی‌پروای صمصام‌خان، لبخندهای مقبول و سبیل‌جنباندن‌هایش، پچ‌پچه‌های زنان و دختران

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1395.24.81.1.3]
[DOI: 10.18869/acadpub.jpll.24.81.7]

پای دستگاه‌های جاجیم و گلیم‌بافی همگی به خاطرات و گذشتهٔ مارال مربوط می‌شوند که اکنون همهٔ آنها را در ذهن خود مرور می‌کند و در گفت‌وگو با خود می‌اندیشد که از گفتن این واقعیت‌ها به پدر و نامزدش چه چیزی عاید او می‌شود. نویسنده از این طریق توانسته است خواننده را در مسیر افکار مارال و حوادثی که قبلاً بر او گذشته قرار دهد و بدین‌شکل بر آگاهی خواننده و عمق معنایی متن بیفزاید.

گفتار غیرمستقیم آزاد از لحاظ زبان‌شناختی پیچیده‌ترین مقولهٔ بازنمایی گفتار است؛ زیرا، ویژگی‌های واژگانی، نحوی و معنایی گفتار مستقیم و غیرمستقیم را در آن واحد داراست حری (۱۳۸۹: ۲۴). به‌نقل از فلودرنیک (۱۹۹۳)، تولان (۲۰۰۱)، و ریمون‌ـکنان (۲۰۰۲) این ویژگی‌های زبان‌شناختی را برای گفتار غیرمستقیم آزاد می‌توان برمی‌شمرد: ۱) نبود بند گزارشگر ۲) حذف ویرگول و گیومه ۳) حذف "که موصولی" ۴) تغییر ضمایر اول و/یا دوم‌شخص به ضمایر سوم‌شخص ۵) یک زمان به عقب برگشتن افعال روایی متن و گذشته‌بودن زمان ۶) کاربرد اشارتگرهای زمانی و مکانی مطابق با کلام شخصیت/گفتار مستقیم ("اینجا"، "اکنون") ۷) کاربرد کلمات ندایی، ارزشی (مثل "طفلکی"، "عزیز")، جمله‌پرکن‌ها ("خوب"، "راستی"، "البته")، حشو، اصوات و مختصات لهجه‌ای و گویشی و به‌طورکلی زبان احساسی که آن را از آنِ شخصیت می‌دانیم تا راوی. البته همان‌طور که قبلاً گفتیم، سمینو و شرت (۲۰۰۴: ۸۶) تمام این ویژگی‌ها را بیشتر الگو می‌دانند تا قاعده و هرگونه ویژگی زبانی را ـچه در سطح دستور و چه در سطح واژگان‌ـ که نشان‌دهندهٔ حرکت از سمت صدای راوی به سمت گفتار گوینده باشد، گفتار غیرمستقیم آزاد می‌دانند.

۳. ۵. گفتار مستقیم (آزاد)

در گفتار مستقیم، علاوه‌بر محتوا، عین واژگان و ساختار نحویِ کلامِ گویندهٔ اصلی نیز منتقل می‌شود. گفتار مستقیم به‌لحاظ دستوری بند مستقلی دارای دو ویژگی است: ۱) به‌همراه بند گزارشگر می‌آید که نشان می‌دهد راوی گفتار شخصیت موردنظر را نقل کرده است و ۲) درون علامت نقل قول یعنی گیومه قرار می‌گیرد (لیچ و شرت، ۱۹۹۰: ۳۲۲):

۲۴. «گفتم "امیلی، چرا نگفتی پنیر و شیر سرد دوست نداری؟"» (پیرزاد، ۱۳۸۱: ۱۵).

به‌گفتهٔ لیچ و شرت (۱۹۹۰: ۳۲۲)، گفتار مستقیم آزاد مانند گفتار مستقیم عین گفته‌ها و عبارات گوینده را به‌لحاظ واژگانی و دستوری منتقل می‌کند، با این تفاوت که فاقد علامت نقل قول (گیومه) یا بند گزارشگر یا هردو اینهاست. به همین دلیل است که گفتار مستقیم آزاد در انتهای سمت چپ پیوستارِ بازنمایی گفتار (که در بخش۲ ارائه شد) قرار می‌گیرد؛ زیرا، هیچ‌گونه نشانی از دخالت راوی (مانند بند گزارشگر یا علامت نقل قول) در

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1395.24.81.1.3]
[DOI: 10.18869/acadpub.jpll.24.81.7]

آن وجود ندارد و تنها صدای گوینده است که به‌صورت مستقل شنیده می‌شود. گفتار مستقیم آزاد گونه‌ای از گفتار مستقیم است و شیوهٔ مستقلی محسوب نمی‌شود (سمینو و شرت، ۲۰۰۴: ۱۰). همان‌طور که در مثال ذیل می‌بینید، برای بازنمایی گفتار مستقیم آزاد از بند گزارشگر و گیومه استفاده نشده است:

۲۵. «قربان در فرانسه بوده. بعد هم مدتی در ایتالیا به سر برده» (علوی، ۱۳۸۹: ۱۸).

براساس جدول ۱، ۷۶۱ مورد گفتار مستقیم (آزاد) در پیکرهٔ ۱ وجود دارد. این رقم ۷۵/۲۷ درصد کل پیکرهٔ ۱ را تشکیل می‌دهد و این مقوله را در جایگاه اول به‌لحاظ فراوانی قرار می‌دهد. بنابراین، همان‌طور که مشاهده می‌کنید، گفتار مستقیم (آزاد) در داستان‌های قبل از ترجمه به‌نسبتِ دیگر مقوله‌ها پرکاربردترین شیوهٔ بازنمایی گفتار بوده و استفاده از آن در داستان رایج بوده است. اما، نکتهٔ مهم این است که در این پیکره اصلاً گفتار مستقیم وجود ندارد و تمام ۷۶۱ مورد گفتار مستقیم آزاد هستند. این به‌دلیل استفاده‌نکردن از گیومه برای گفتار مستقیم است. درواقع، نویسندگان داستان‌های گذشته و قبل از دورهٔ ترجمه، نه‌تنها برای گفتار مستقیم بلکه در کل متن از هیچ‌گونه علائم نگارشی استفاده نکرده‌اند. این نتیجه، ادعای شاهین (۱۳۸۰: ۵) را تأیید می‌کند، مبنی بر اینکه نشانه‌های فارسی (اعم از دونقطه و گیومه) سابقهٔ استعمال زیادی در زبان فارسی ندارند و اکثراً به بعد از دوران آشنایی ایرانیان با نوشته‌های مغرب‌زمین، به‌ویژه پس‌از انقلاب مشروطه، مربوط می‌شوند.

طبق جدول ۲ در پیکرهٔ ۲، ۵۱۸ مورد گفتار مستقیم (آزاد) وجود دارد که ۷۴ درصد کل پیکره را تشکیل می‌دهد. بنابراین، در داستان‌های پس از ترجمه نیز این شیوهٔ بازنمایی گفتار از بسامد بسیار زیادی برخوردار است و در مقایسه با دیگر مقوله‌ها در ردهٔ اول قرار دارد. از این تعداد، ۲۲۴ مورد را گفتار مستقیم و ۲۹۴ مورد را گفتار مستقیم آزاد تشکیل می‌دهد. این یعنی ۳۲ درصد گفتار مستقیم (آزاد) در پیکرهٔ ۲ را گفتار مستقیم و ۴۲درصد آن را گفتار مستقیم آزاد تشکیل داده است. بنابراین، برخلاف پیکرهٔ ۱، که تمام موارد از گفتار مستقیم آزاد تشکیل شده بودند، در پیکرهٔ ۲، هرچند باز هم تعداد گفتار مستقیم آزاد بیشتر است، گفتار مستقیم با اختلاف نسبتاً کمی درکنار گفتار مستقیم آزاد قرار دارد. این موضوع به این دلیل است که استفاده از علائم نگارشی در دورهٔ بعد از ترجمه رواج یافته است و نویسندگان با به‌کارگیری "گیومه" و "بند گزارشگر گفتار" توانسته‌اند از گفتار مستقیم نیز به‌منزلهٔ یکی از شیوه‌های بازنمایی گفتار بهره‌مند شوند. سمینو و شرت (۲۰۰۴: ۹۰) کاربرد بیشتر گفتار مستقیم آزاد به‌نسبتِ گفتار مستقیم را این‌گونه توجیه می‌کنند که نویسندهٔ داستان برای نمایش گفت‌وگوی میان شخصیت‌ها از بند گزارشگر کمتر استفاده

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1395.24.81.1.3]
[DOI: 10.18869/acadpub.jpll.24.81.7]

می‌کند، تا حضور و دخالت راوی را در گفت‌وگوی اشخاص از بین ببرد و از این طریق حالت طبیعی و بی‌واسطهٔ گفت‌وگو میان افراد را منتقل کند و به داستان حالت نمایشی دهد. البته، به این نکته نیز باید توجه کرد که در پیکرهٔ ۲ تعداد گفتار مستقیم (آزاد) در مقایسه با پیکرهٔ ۱، ۲۴۳ مورد کاهش یافته است و درعوض، به تعداد گفتار غیرمستقیم و غیرمستقیم آزاد افزوده شده است.

همان‌طور که دیدیم، گفتار مستقیم (آزاد) بیش از ۷۰ درصد بازنمایی گفتار را در هر دو پیکره به خود اختصاص داده بود. شاید بتوان کاربرد بسیار زیاد این مقوله در داستان‌های جدید را با توجه به اهمیت‌یافتن فردیت در رمان توجیه کرد. پیش‌ازآن، باید توجه کرد که در این مقاله، داستان‌های مربوط به قبل از نهضت ترجمه درقالب داستانی رمانس قرار دارند و داستان‌های بعد از نهضت ترجمه دارای قالب داستانی رمان هستند. به‌گفتهٔ عبداللهیان (۱۳۷۷: ۱۴)، یکی از ویژگی‌های رمانس این است که در آن شخصیت‌ها، چه از حیث گفتار و چه از حیث عمل، ویژگی منحصربه‌فرد ندارند و همهٔ شخصیت‌های داستان ازجمله شاه، وزیر، سرداران، عالمان، گدایان و فقرا همگی به‌لحاظ لحن و گفتار یکسان هستند. اما رمان از این حیث متفاوت است و هر شخص ویژگی مشخص و منحصربه‌فرد خود را دارد و مجزا از دیگر افراد داستان و داستان‌های دیگر عمل می‌کند. در رمان هر کس به‌واسطهٔ انبوهی از تجربه، فلسفه، دیدگاه‌ها و نظرهای خاص خود گفتار را ادا می‌کند که مسلماً با گفتار فرد دیگر متفاوت است، اما در رمانس به این قاعده عمل نمی‌شود. عنصر فردیت شاخص اساسی شکل‌گیری رمان مدرن است و توجهی که معمولاً رمان به فردیت‌بخشیدن به شخصیت‌ها دارد، باعث ایجاد تمایز میان رمان و انواع ادبی دیگر و حتی گونه‌های قبلی ادبیات داستانی می‌شود. رمان داستانِ شخصیت‌هاست و رمان مدرن داستانِ شخصیت‌هایی با هویت فردی است که برخلاف داستان پیشامدرن معرف یک تیپ اجتماعی نیست. اگر در قصه‌های کهن خصایص پهلوانی، ایزدی یا جادویی به قهرمان داستان چهره‌ای شگفت‌انگیز می‌بخشد، در داستان مدرن فردیت زمینی و البته متمایز و یگانهٔ شخصیت‌های رمان هیجان و کشش ایجاد می‌کند (شاهرخی، ۱۳۸۵). بدین‌ترتیب، در سنت ادبی ما، فردیت در آثار ادبی برجسته نمی‌شود و حتی نکوهیده است. توجه به فردیت از نهضت مشروطه آغاز شد و زمینهٔ شکل‌گیری رمان را به وجود آورد (پاینده، ۱۳۹۳).

براین‌اساس، در گونه‌های داستانی قبل از رمان فردیت معنای چندانی نداشته است و هرکدام از شخصیت‌ها تنها معرف تیپی اجتماعی بوده‌اند. اما در رمان، عنصر فردیت بسیار مهم تلقی شده و شخصیت‌ها فردیت یافته‌اند. بنابراین، شاید بتوان سخن‌گوبودن شخصیت‌های

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1395.24.81.1.3]
[DOI: 10.18869/acadpub.jpll.24.81.7]

داستان در رمان (داستان‌های بعد از نهضت ترجمه) و بالطبع استفادهٔ زیاد از گفتار مستقیم (آزاد) را، که در آن صدای خود شخصیت‌ها به‌وضوح شنیده می‌شود و نشان‌دهندهٔ فردیت شخص است، از مصادیق توجه به فردیت اشخاصِ داستان در رمان‌های مدرن دانست.

سمینو و شرت (۲۰۰۴: ۸۹) یکی از مهم‌ترین کارکردهای گفتار مستقیم (آزاد) را دادن حالت نمایشی[۲۷] به گفتار شخصیت‌های داستان می‌دانند؛ زیرا در این حالت راوی کمترین دخالت را دارد و شخصیت‌ها خود کلام را به‌دست می‌گیرند. سمینو و شرت (همان) شخصیت‌پردازی،[۲۸] برجسته‌سازی[۲۹] و مستقیم و بی‌واسطه جلوه‌دادن[۳۰] گفته‌ها را از دیگر کارکردهای گفتار مستقیم (آزاد) برمی‌شمارند. از گفتار مستقیم (آزاد) معمولاً برای گفت‌وگوی میان اشخاص در داستان استفاده می‌شود. برای نمونه، در مثال ذیل نویسنده رمان خود را با گفت‌وگوی میان مادر و دختر آغاز کرده و از طریق گفتار مستقیم آزاد، علاوه‌بر اینکه شخصیت‌های داستان و دیدگاه آنها را معرفی می‌کند، مخاطب را متوجه مهم‌ترین رخداد و قضیهٔ داستان می‌کند. همچنین، استفاده از گفتار مستقیم آزاد موجب شده تا گفت‌وگو حالت نمایشی پیدا کند و زنده و ملموس‌تر جلوه نماید. در ادامه، تنها قسمتی از این گفت‌وگو آورده شده است:

۲۶. «مگر از روی نعش من رد بشوی.

ـ این‌طور حرف نزنید مامان. خیلی سبک است. از شما بعید است. شما که می‌دانید من تصمیم خودم را گرفته‌ام و زن او می‌شوم.

ـ پدرت ناراضی است سودابه. خیلی از دستت ناراحت است.

ـ آخر چرا؟ من که نمی‌فهمم. خیلی عجب است‌ها! یک دختر تحصیل‌کرده به سن و سال من هنوز نمی‌تواند برای زندگی خودش تصمیم بگیرد؟ نباید خودش مرد زندگی خودش را انتخاب کند؟

ـ چرا می‌تواند. یک دختر تحصیل‌کردهٔ امروزی می‌تواند خودش انتخاب کند. باید خودش انتخاب کند. ولی نباید با پسری ازدواج کند که خیلی راحت دانشکده را ول می‌کند و...» (حاج‌سیدجوادی، ۱۳۷۸: ۱).

همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم، گفتار مستقیم (آزاد)، به‌لحاظ دستوری، بندی مستقل است و مانند گفتار غیرمستقیم به بند گزارشگر وابسته نیست. علاوه‌براین، در گفتار مستقیم (آزاد) زمان، ضمایر و اشارتگرهای زمانی و مکانی مطابق با کلام گوینده هستند. البته، توجه به این نکته ضروری است که برخلاف زبان انگلیسی که از "که موصولی" در گفتار مستقیم (آزاد) استفاده نمی‌شود، داده‌های تحقیق نشان داد که در زبان فارسی از "که موصولی" در

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1395.24.81.1.3]
[DOI: 10.18869/acadpub.jpll.24.81.7]

گفتار مستقیم (آزاد) نیز استفاده می‌شود. البته، استفاده از "که موصولی" در گفتار مستقیم (آزاد) در داستان‌های قبل از ترجمه بسیار بیشتر از داستان‌های بعد از ترجمه به چشم می‌خورد. مثال ذیل نمونه‌ای از استفاده از "که" در گفتار مستقیم است:

۲۷. «خواهش کردم که "لطفاً برای بچه‌ها شکلات نخری"» (پیرزاد، ۱۳۸۱: ۲۹).

در این بخش سعی کردیم توضیح مفصلی دربارهٔ شیوه‌های مختلف بازنمایی گفتار بیاوریم و پس‌از معرفی هرکدام، به بحث دربارهٔ فراوانی هر مقوله در دو پیکره و ویژگی‌های کارکردی و زبان‌شناختی آنها بپردازیم.

نتیجه‌گیری

در این مقاله نشان دادیم که ما در زبان فارسی نقل قول مستقیم و نقل قول غیرمستقیم را به‌منزلهٔ یگانه شیوه‌های بازنمایی گفتار در داستان می‌شناسیم، اما شیوه‌های مختلفی برای بازنمایی گفتار در داستان وجود دارد که نویسندگان فارسی‌زبان نیز، باوجودِ نداشتن شناخت و تعریف دقیق و علمی از آنها، مانند دیگر نویسندگان این مقوله‌ها را به‌خوبی به‌کار گرفته‌اند. به‌همین‌دلیل، در تحقیق حاضر مقوله‌های مختلف بازنمایی گفتار را، که سمینو و شرت (۲۰۰۴) ارائه کرده‌اند، معرفی کردیم و به بررسی و مقایسهٔ ویژگی‌های بسامدی، کارکردی و زبان‌شناختی هر مقوله در داستان‌های فارسی قبل از نهضت ترجمه و داستان‌های فارسی بعد از این نهضت پرداختیم. نتایج به‌دست‌آمده از مقالهٔ حاضر به این شرح است:

۱. مقولهٔ روایت صدا در هر دو پیکره کاربرد کمی داشته است که کاربرد کم این مقوله از سوی نویسندگان به این دلیل است که این شیوهٔ بازنمایی گفتار جزئیات و محتوای سخن را در اختیار خواننده قرار نمی‌دهد. از مهم‌ترین کارکردهای این مقوله نقش معرفی‌کنندگی آن است.

۲. روایت کنش گفتار (با/بدون موضوع) در هر دو پیکره بعد از گفتار مستقیم (آزاد) از بیشترین بسامد برخوردار است. بسامد بالای این مقوله به‌دلیل خاصیت خلاصه‌کنندگی آن است.

۳. گفتار غیرمستقیم در هر دو پیکره از نظر میزان کاربرد و در مقایسه با دیگر مقوله‌ها در جایگاه میانی قرار دارد. بااین‌حال، تعداد موارد گفتار غیرمستقیم در داستان‌های پس‌از ترجمه افزایش یافته است.

۴. گفتار غیرمستقیم آزاد در داستان‌های قبل از ترجمه کاربرد بسیار کمی داشته و در داستان‌های پس‌از ترجمه شاهد افزایش چشمگیر این مقوله هستیم. اما به‌طورکلی این

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1395.24.81.1.3]
[DOI: 10.18869/acadpub.jpll.24.81.7]

مقوله نسبت به دیگر مقوله‌ها در هر دو پیکره کمتر به‌کار رفته است که علت آن نیز نوعی ابهام است که مخاطب در تشخیص این مقوله با آن روبه‌رو است.

۵. گفتار مستقیم (آزاد) بیشترین بسامد را در داستان‌های هر دو پیکره به خود اختصاص داده است. البته، توجه به این نکته حائز اهمیت است که در داستان‌های قبل از ترجمه به‌دلیل عدم استفاده از علامت نقل قول (گیومه) تمام موارد را گفتار مستقیم آزاد تشکیل داده است. بسامد بالای گفتار مستقیم (آزاد) در داستان‌ها با توجه به ویژگی این مقوله در دادن حالت نمایشی به گفتار و زنده و ملموس‌تر جلوه‌دادن آن توجیه‌پذیر است. همچنین، کاربرد زیاد این مقوله را در داستان‌های بعد از نهضت ترجمه که دارای قالب داستانی رمان هستند می‌توان به اهمیت‌یافتن فردیت شخصیت‌های داستان در این گونهٔ ادبی نسبت داد.

۶. و در آخر، به‌طورکلی بسامد بازنمایی گفتار در داستان‌های دورهٔ بعد از ترجمه کاهش یافته است و نویسندگان استفاده از روایت را جایگزین آن کرده‌اند. همچنین، در طول زمان، از تعداد گفتار مستقیم (آزاد) و روایت کنش گفتار کاسته شده و بر تعداد گفتار غیرمستقیم و خصوصاً گفتار غیرمستقیم آزاد اضافه شده است.

پی‌نوشت

1. Discourse Representation
2. Speech
3. Thought
4. Writing
5. Narrator’s Representation of Voice (NV)
6. Narrator’s Representation of Speech Acts (NRSA(p))
7. Indirect Speech (IS)
8. Free Indirect Speech (FIS)
9. (Free) Direct Speech ((F)DS)
10. Faithfulness
11. Narration (N)
12. Verbal activity
13. Speech act
14. Speech acts theory
15. Dramatic effect
16. Introductory function
17. Point of view
18. Summarizing nature
19. Backgrounding information
20. Reported clause
21. Reporting clause
22. Deixis

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1395.24.81.1.3]
[DOI: 10.18869/acadpub.jpll.24.81.7]

23. Distancing Effect
24. Irony
25. Ambiguity
26. Flash back
27. Dramatization
28. Characterization
29. Foregrounding
30. Immediacy

منابع

آل‌احمد، جلال (۱۳۶۲) *مدیر مدرسه*. تهران: رواق.

اخوت، احمد (۱۳۷۱) *دستور زبان داستان*. اصفهان: فردا.

الارجانی، فرامرزبن‌خداداد (۱۳۴۷) *سمک عیار*. با مقدمه و تصحیح پرویز ناتل خانلری، جلد ۱. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

بالائی، کریستف (۱۳۷۷) *پیدایش رمان فارسی*. ترجمهٔ مهوش قویمی و نسرین خطاط. تهران: معین و انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران.

بالائی، کریستف و میشل کویی‌پرس (۱۳۷۸) *سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی*. ترجمهٔ احمد کریمی حکاک. تهران: معین و انجمن ایران‌شناسی فرانسه.

پاینده، حسین (۱۳۹۳) «سخنرانی دکتر حسین پاینده در نشست تخصصی بررسی موانع رشد رمان در ایران». دسترسی در: http://www.jamnews.ir/detail/News/398776.

پیرزاد، زویا (۱۳۸۱) *چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم*. چاپ ششم. تهران: مرکز.

جمال‌زاده، سیدمحمدعلی (۱۳۳۳) *دارالمجانین*. تهران: بی‌نا.

حاج سیدجوادی، فتانه (۱۳۷۸) *بامداد خمار*. چاپ نوزدهم. تهران: پیکان.

حری، ابوالفضل (۱۳۸۹) «ترجمهٔ گفتمان غیرمستقیم آزاد در سه ترجمهٔ فارسی رمان به سوی فانوس دریایی». *پژوهش ادبیات معاصر جهان*. (۵۷): ۱۹-۳۹.

ـــــــ (۱۳۸۸) «همبستگی میان بازنمایی وجوه رنگارنگ گفتار و اندیشه با تمرکز بر سخن غیرمستقیم آزاد». *نقد ادبی*. ۲ (۷): ۵۹-۷۸.

حسین کرد شبستری (بی‌تا) بی‌جا: مطبعه اخوان کتابچی.

حسینی معصوم، سیدمحمد و عبدالـله رادمرد (۱۳۹۴) «تأثیر بافت زمانی‌ـمکانی بر تحلیل کنش گفتار؛ مقایسهٔ فراوانی انواع کنش‌های گفتار در سوره‌های مکّی و مدنی قرآن کریم». *جستارهای زبانی*. ۶ (۳): ۶۵-۹۲.

دانشور، سیمین (۱۳۴۸) *سووشون*. تهران: خوارزمی.

دولت‌آبادی، محمود (۱۳۶۸) *کلیدر*. جلد اول و دوم. چاپ ششم. تهران: فرهنگ معاصر.

دهلوی، امیرخسرو (بی‌تا) *چهار درویش*. لاهور: مطبع اسلامیه لاهور.

ره‌گوی، فریده (۱۳۸۷) «بازنمایی گفتمان در داستان و روزنامه». *نقد ادبی*. ۱ (۳): ۲۹-۵۸.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1395.24.81.1.3]
[DOI: 10.18869/acadpub.jpll.24.81.7]

سرل، جان (۱۳۸۵) *افعال گفتاری*. ترجمهٔ علی عبداللهی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی: قم.

سعدی شیرازی، مصلح‌الدین (۱۳۱۹) *گلستان*. از روی نسخهٔ تصحیح‌شده محمدعلی فروغی. بی‌جا: کتابفروشی برادران علمی.

شاهرخی، نوشین (۱۳۸۵) «بررسی ساختار رمان عادت می‌کنیم نوشته زویا پیرزاد». دسترسی در: http://sarapoem.persiangig.com/link7/naghdedastan.htm.

شاهین، شهناز (۱۳۸۰) «مقایسهٔ نقل قول مستقیم و غیرمستقیم در زبان فرانسه و فارسی». *رشد آموزش زبان*. ۱۵ (۶۱): ۳-۱۱.

صفوی، کوروش (۱۳۸۳) *فرهنگ توصیفی معنی‌شناسی*. تهران: فرهنگ معاصر.

ـــــ (۱۳۸۷) *درآمدی بر معناشناسی*. چاپ سوم. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.

عبداللهیان، حمید (۱۳۷۷) «مروری بر سیر ادبیات داستانی در ایران». *ادبیات داستانی*. (۴۷): ۱۰-۲۳.

عبدی، صلاح‌الدین و مریم مرادی (۱۳۹۰) «کارکرد راوی در شیوهٔ روایتگری رمان پایداری (مورد کاوی رمان "رجال فی‌الشمس" اثر غسان کنفانی)». *ادبیات پایداری*. ۳ (۵): ۲۵۹-۲۹۶.

علوی، بزرگ (۱۳۸۹) *چشم‌هایش*. چاپ دهم. تهران: نگاه.

قصهٔ حمزه (*حمزه‌نامه*) (۱۳۴۷) به‌کوشش جعفر شعار. جلد۱. تهران: دانشگاه تهران.

محسنی، احمد و آرسینه خاچاطوریان سرادهی (۱۳۹۰) «نهضت ترجمه در عصر قاجار». *پیام بهارستان*. ۳/۲ (۱۱): ۷۸۷-۷۹۷.

مرادی صومعه‌سرایی، غلامرضا (۱۳۸۶) «مروری بر ادبیات داستانی ایران». *نامهٔ پارسی*. ۱۲ (۱و۲): ۱۵۹-۱۷۶.

مروزی، شمس‌الدین محمد (۱۳۴۵) *راحة‌الارواح فی سرور المفراح (بختیارنامه)*. به‌اهتمام و تصحیح ذبیح‌الله صفا. جلد۱. تهران: دانشگاه تهران.

نجومیان، امیرعلی و محمد غفاری (۱۳۹۰) «گفتمان غیرمستقیم آزاد در رمان لب بر تیغ حسین سناپور». *پژوهش ادبیات معاصر جهان*. ۱۶ (۴): ۹۱-۱۰۶.

واحد، اسدالله و اصغر افشاری (۱۳۹۰) «زمینه‌های پیدایش رمان فارسی». *علامه*. ۱۰ (۳۱): ۱۴۷-۱۷۸.

Austin, John L. (1962) *How to do things with words*. Oxford, England: Oxford University Press.

Cohn, Dorrit (1978) *Transparent Minds: Narrative Modes for Presenting Consciousness in Fiction*. Princeton, NJ: Princeton University Press.

Fludernik, Monika (1993) *The Fictions of Language and the Languages of Fiction*. London, England: Routledge.

Huang, Yan (2006) "Speech Acts". In Barber, Alex, and Robert J. Stainton (eds.). *Concise Encyclopedia of Philosophy of Language and Linguistics*. Oxford: Elsevier.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1395.24.81.1.3]
[DOI: 10.18869/acadpub.jpll.24.81.7]

Leech, Geoffrey N. and Michael H. Short (1990) *Style in Fiction: A Linguistic Introduction to English Fictional Prose*. London, England: Longman.

Rimmon-Kenan, Shlomith (1983) *Narrative Fiction: Contemporary Poetics*. London, England: Methuen.

Searle, John R. (1969) *Speech Acts: an Essay in the Philosophy of Language*. Cambridge, England: Cambridge University Press.

Semino, Elena (2004) "Representing Characters' Speech and Thought in Narrative Fiction: A Study of England, England by Julian Barnes". *Style*. 38 (4): 428-451.

Semino, Elena and Mick Short (2004) *Corpus Stylistics: Speech, Writing and Thought Presentation in a corpus of English writing*. London, England: Routledge.

Toolan, Michael (2001) *Narrative: A Critical Linguistic Introduction* (2nd ed.). London, England: Routledge.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1395.24.81.1.3]

[DOI: 10.18869/acadpub.jpll.24.81.7]